

آمریکا، اسرائیل و تحولات مصر

آنچه در قیام مهم مردم مصر طی 3 هفته گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته، روابط این کشور با اسرائیل است.



آنچه در قیام مهم مردم مصر طی 3 هفته گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته، روابط این کشور با اسرائیل است.

یک واقعیت مهم و قابل توجه در خاورمیانه این است که آنچه حکومت مستبدانه حسنی مبارک را طی 30 سال اخیر سرپا نگه داشته، پول مالیات‌دهندگان آمریکایی است و اینکه این پول از همان ابتدا برای حمایت از رژیم صهیونیستی روانه مصر می‌شده است. اسرائیل به‌طور کلی عامل مهمی در تحولات خاورمیانه محسوب می‌شود و بر موقعیت داخلی کشورهای عربی هم تأثیرگذار است. برای درک وقایع کنونی مصر، باید روابط خارجی گذشته و حال این کشور را دریافت.

از زمان ایجاد رژیم اسرائیل توسط صهیونیست‌های اروپایی و آمریکایی در سال 1948 حفظ و گسترش خشونت‌بار این رژیم با اخراج اکثریت ساکن و صاحب آن، موضوع محوری خاورمیانه بوده است.

رهبران رژیم صهیونیستی و ناظران خارجی از همان ابتدا دریافتند تنها راه حفظ چنین رژیمی که اساس آن را یک ملت به لحاظ قومی یکدست تشکیل می‌دهند، برخورداری از برتری نظامی است. برای اسرائیل دستیابی به برتری نظامی مستلزم 2 نکته بوده است:

1- ایجاد ارتشی قدرتمندتر در منطقه.

رژیم صهیونیستی با کمک پول و تکنولوژی آمریکا که بعضاً آنها را از این کشور می‌دزدیده و البته توطئه‌های لابی خود در واشنگتن تلاش کرده به این هدف دست یابد. اسرائیل همچنین دارای سلاح‌های هسته‌ای متعددی است؛ نکته‌ای که تقریباً هیچ‌گاه از سوی دولت و رسانه‌های آمریکا مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. این موضوع بارها به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد اعتراض کشورهای منطقه قرار گرفته اما با بی‌توجهی غرب و حتی حمایت از آن همراه بوده است. تل‌آویو سلاح هسته‌ای را عاملی برای دفاع از خود در منطقه می‌داند. این در حالی است که خوی تهاجمی اسرائیل اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست.

2- ممانعت از اینکه هیچ کشوری در منطقه تبدیل به تهدیدی علیه اسرائیل نشود. رهبران تل‌آویو تلاش می‌کنند از طریق استراتژی‌هایی به این هدف برسند، از جمله دستیابی به تکنولوژی‌های حساس، اشغال و حمله مستقیم به سایر کشورها (و نیز ترغیب ایالات متحده به این کار) و البته حمایت از مستبدانی که آشکارا یا تلویحاً از حقوق افرادی که توسط رژیم صهیونیستی سرکوب می‌شوند و مورد پاکسازی قومی قرار می‌گیرند، حمایت نکنند. گاهی اوقات این هدف باز هم با کمک مالی آمریکا و غرب و حمایت‌های سیاسی آنها صورت می‌گیرد.

طی بیش از 30 سال گذشته، مصر جزو حکومت‌های استبدادی مورد حمایت ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در قبال پشت کردن به فلسطینیان بوده است.

معاهده صلح 1979 مصر و اسرائیل، بعضاً در گزارش‌های قیام اخیر مصر مورد اشاره قرار می‌گیرد. براساس معاهده مذکور قرار بود، انور سادات، رهبر وقت مصر از مخالفت با پاکسازی قومی حدود یک‌میلیون مسلمان و مسیحی فلسطینی دست بکشد. این تعهد، محبوب‌ترین و به لحاظ سیاسی مهم‌ترین کشور جهان عرب را از جبهه مخالفان اقدامات غیرقانونی اسرائیل خارج کرد و موجب شد سایر ملت‌ها به‌رغم شرایط غیرعادی در فلسطین، روابط خود را با اسرائیل عادی کنند.

در مقابل، اسرائیل شبه‌جزیره سینا - بخشی از قلمروی مصر که در جنگ متجاوزانه خود در سال 1967 اشغال کرده بود- را به این کشور پس داد. مصر به‌خصوص در سال 1973 تلاش کرد شبه‌جزیره سینا را پس بگیرد، اما ایجاد بزرگ‌ترین پل هوایی تاریخ آمریکا که به ابتکار هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده و تحت فشار لابی اسرائیل در منطقه صورت گرفت، موجب شد نتیجه جنگ به نفع رژیم صهیونیستی رقم بخورد.

واشنگتن نیز در این تبادل چندجانبه، متعهد شد به مصر بیش از هر کشور دیگری (به جز اسرائیل) کمک مالی کند. از سال 1979 مصر سالانه معادل 2 میلیارد دلار کمک اقتصادی و سیاسی از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی دریافت کرده است. تعهدات این معاهده صلح موجب شد تا حسنی مبارک به‌رغم تلاش‌های گاه و بی‌گاه مصری‌ها برای آزاد شدن از سیطره حکومت ظالمانه‌اش، دهه‌ها بر مسند قدرت تکیه بزند.

در همان زمان، ایالات متحده به عنوان میانجی صلح، پاداش حتی بیشتری به اسرائیل داد، از جمله تضمین تأمین نفت این کشور طی 15 سال، تضمین حمایت آمریکا از تل آویو در صورت بروز خشونت در منطقه، پاسخ دادن به نیازهای نظامی و اقتصادی اسرائیل و ارائه گستره وسیعی از تکنولوژی و کمک مالی به رژیم صهیونیستی شامل 3 میلیارد دلار برای خارج کردن دو پایگاه هوایی اسرائیل از شبه جزیره سینا.

در واقع روابط آمریکا و اسرائیل حتی پیش از معاهده صلح 1979 گرم تر و دوستانه تر از روابط ایالات متحده و مصر بوده است. اسرائیل اگرچه تنها یک دهم مصر جمعیت دارد، کمک مالی بیشتری از آمریکا دریافت می کند در حالی که نظارت چندان دقیقی بر کمک مالی واشنگتن به اسرائیل وجود ندارد. در این کمک مالی سخاوتمندانه آمریکا به تل آویو، نقش لابی اسرائیل در واشنگتن بسیار پررنگ است. با آنکه نقش این لابی تا حد قابل توجهی در رسانه های آمریکایی و تحلیل های گروه های لیبرال و چپ نادیده گرفته می شود، در رسانه های اسرائیلی و یهودی، بارها به آن اشاره شده است.

در حالی که شرایط در مصر تغییر می کند، قانونگذاران آمریکایی که به حمایت از اسرائیل مشهورند، در حال ارزیابی کمک های ایالات متحده به مصر هستند. این قانونگذاران با نفوذ، در حال بررسی این موضوعند که آیا مصر همچنان به تعهدات خود مصرح در معاهده صلح، نسبت به اسرائیل پایبند خواهد ماند یا خیر.

طی سال های گذشته، طیف گسترده ای از گروه های مصری با حکومت مبارک مخالفت کرده اند و برخی از آنها در این راه رو به خشونت آورده اند، هرچند خشونت متقابل حکومت مبارک علیه آنها شدیدتر بوده است. این موضوع تقریباً همیشه بدون در نظر گرفتن شرایط و اینکه روی آوردن به خشونت برای جنبش های مقاومت امری عادی است، در رسانه های آمریکایی طرفدار اسرائیل، بازتاب داشته است.

در سال های اخیر مبارک با بستن گذرگاه غزه و محبوس کردن 5/1 میلیون مرد، زن و کودک فلسطینی عملاً با اسرائیل همکاری کرده است؛ اقدامی که منجر به فاجعه انسانی شده که در نتیجه آن کودکان غزه اینک از سوء تغذیه، بازماندن از رشد و مصیبت های دیگر رنج می برند و تاکنون 300 بیمار در این منطقه به خاطر کمبود داروهای حیاتی یا ممانعت از خروج آنها از گذرگاه غزه جان باخته اند. شهروندان مصری از مشارکت حکومت کشورشان در این قساوت خشمگین هستند.

اسرائیل همچنین از گذشته کوشیده است تا به دشمنی بین مصر و آمریکا دامن بزند. در اوایل دهه 1950، موساد، سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی، طراح بمب گذاری هایی در محل تجمع آمریکایی ها در مصر بود، در حالی که وانمود می شد این اقدامات تروریستی کار شبه نظامیان افراطی است. این توطئه در نهایت افشا و موجب رسوایی در اسرائیل شد. این در حالی است که تعداد اندکی از آمریکایی ها از این ماجرا باخبرند. برخی تحلیل گران حتی از طراحی توطئه های دیگری توسط اسرائیل علیه آمریکا و ظاهراً به نام مصری ها سخن می گویند، از جمله ماجرای کمتر مورد توجه حمله به ناو آمریکای یو اس اس لیبرتی که گفته می شود حاصل عملیات گمراه کننده اسرائیل بوده است.